

جلسه هفتاد و نهم
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه هفدهم عقرب
۱۳۰۴ مطابق یازدهم
ربیع الثانی
۱۳۴۳

(مجلس دوساعت و ربع قبل از ظهر
بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل
گردید)
(صورت مجلس یوم پنجشنبه چهاردهم
عقرب را آقای اقبال الممالک قرائت
نمودند)

رئیس - آقای دامغانی .
(اجازه)

دامغانی - بنده قبل از دستور عرض
داشتیم .

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین .
(اجازه)

آقا میرزا شهاب - چون در صورت
لمجلس استعفاى آقای سردار عشایر را از
کمیسیون داخله نوشته اند و تصویب صورت
مجلس بمنزله تصویب استعفاى ایشان است .
(و از ایشان تقاضا شد که استعفاى خودشان
را مسترد دارند و ایشان هم قبول کردند)
خواستم محض اطلاع عرض کرده باشم که
ایشان عضویت کمیسیون داخله را قبول کرده اند
رئیس - بلی بنده هم میخواستم به
اطلاع آقایان برسانم .

عرض حال از طرف اجرای اداره پست
رسیده و کمیسیون هرایض صلاح دانسته
است در مجلس قرائت شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ساحت مقدس مجلس شورای ملی
شیدالله ارکانه .

وضع وتدوین قانون استخدام ما بک
عهده اعضاء پست را که قلت حقوقان بر
همه مبرهن است بجزیران مافات و رفع
تبعیض بین ما و اعضاء سایر ادارات و
دریافت حقوق حقه بشارت داده و به آتی
خو امیدوار میساخت

این بود که مردم تقاضای اجرای
آن را می نمودیم در صورتیکه در تمام
ادارات حقوق را با قانون استخدام تطبیق
دادند متأسفانه چنانچه خاطر همون نمایندگان
مستحضرات اداره ما را بگذر سنگین شدن بودجه
معروم نموده و بعلاوه تحمیلات آنرا از قبیل
پرداخت کسور و شرائط برقراری تقاعد و
وظیفه نقصان یا حذف حقوق موظفین و
غیره را مجری داشتند و نمایندگان محترم
تصدیق میفرمایند که این امر بکلی درواز
انصاف و خارج از عدالتست

در صورتیکه رهائی يك عده مردمان
خدمتگذار صدیق از چنگال فقر و تطبیق
حقوق آنها با قانون استخدام برای دولت
امر مشکلی است مقرر فرمایند کسور و شرائط
مضرة بحال ما را موقوف الاجراء دارند تا
زمانی که تصویبی درباره اجرای تمام مواد

قانون استخدام در اداره ما اتخاذ شود .
رئیس - استعلامی است از طرف اداره
مباشرت و آقایان مباشرین رسیده است .
قرائت میشود .
(اینطور قرائت شد)

مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی
شیدالله ارکانه .

با عطف توجه بماده (۱۲۰) نظامنامه
داخلی که تشخیص و تعیین عذر موجه بعهد
مباشرین معمول شده است
نظر بآنکه برفوق ماده مزبوره باید
جهات عذر موجه قبلا مشخص باشد تا مباشرین
بتوانند صحیحاً تشخیص بدهند

لهذا مستدعی است مجلس شورای ملی
تشخیص جهات عذر موجه را بهر يك از
کمیسیونها که مقتضی است اهم از کمیسیون
نظامنامه داخلی . مجاسبات .

عرایض و مرخصی و یا بهر کمیسیون
دیگری که صلاح باشد رجوع فرمایند مراتب
را تشخیص دهند تا اداره مباشرت بتواند
وظیفه خود را مطابقاً انجام دهد . از طرف
اداره مباشرت مجلس

رئیس - اگر صلاح میدانید مراجعه
شود بکمیسیون تجدید نظر در نظامنامه
داخلی .

جمعی از نمایندگان - صحیح است .
رئیس - آقای کازرونی .
(اجازه)

کازرونی - بنده در این موضوع دیگر
هر ضعی ندارم .

رئیس - برای اطلاع خاطر آقایان
عرض میکنم فردا سه ساعت قبل از ظهر
باید شعبات تشکیل شود .

اولاً برای انتخاب کمیسیون شش
نفری راجع باقتصادیات که این جارای
داده شد .

ثانیاً برای مطالعه در پیشنهاد آقای
رئیس التجار راجع بتأمین ارزاق .

ثالثاً تعیین دوفنر برای کمیسیون قانون
انتخابات و يك نفر برای کمیسیون عرایض
امروز هم کسری کمیسیونها باید انتخاب شود
این مرتبه دوم است که انتخابات میشود .
کمیسیون داخله . دوفنر کمیسیون معارف
يك نفر .

کمیسیون نظام يك نفر .
کمیسیون عدلیه یک نفر کمیسیون نفت
سه نفر .

آقای آقا سید یعقوب .
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده برای استخراج
حاضر هستم ولی چون بنا لایحه مالیات
تصادفی مخالفم حقم از بین میرود استدعا
میکنم اجازه فرمایند بنده ایرادات خودم
را بگویم بعد بروم والا بنده بدون حضور
نمی توانم به این لایحه ضربت وارد
بیاورم .

(خنده نمایندگان)

رئیس - آقای شیروانی .
(اجازه)

شیروانی - اینکه آقای رئیس فرمودند
مرتبه دوم است که کمیسیونها انتخاب
میشود .

گمان میکنم مرتبه سوم باشد فقط
کمیسیون نفت مرتبه دومش است .

رئیس - دفعه اول اکثریت نبود .
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

رئیس - لایحه از طرف دولت رسیده
است قرائت میشود و بعد بهر کجا باید
مراجعه بشود فرمایند .

(بشرح آتی قرائت شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی شیدالله
ارکانه . اگر چه تمام لایحه قانونی تجارت
که برای تصویب مجلس شورای ملی شده
است مربوط بوزارت فلاحت و تجارت و
فوائد عامه است .

ولی نظر باینکه فصل اول این لایحه
تا باب چهارم که راجع بشرکت های تجارته
است محل احتیاج وزارت فوائد عامه
است .

برای راه انداختن منابع اقتصادی
و دادن امتیازات مفیده نهایت ضرورت را
دارد و چون تصویب تمام قانون و
گذشتن آن از مجلس شورای ملی مدتی
طول خواهد کشید لهذا درخواست ذیل تقدیم
میشود .

ماده واحده - مجلس شورای ملی
تصویب می نماید که از فصل اول تا
باب چهارم لایحه قانون تجارت موقتاً پس
از تصویب کمیسیون محترم عدلیه بموقع
اجراء گذارده شود تا اینکه قانون مزبور
در موقع خود تصویب مجلس شورای ملی برسد .
رئیس آقای داور
(اجازه)

داور - نمیدانم این لایحه تازه آمده
است یا قبل از آنکه به کمیسیون عدلیه
داده شد و با آن اختیار گمان میکنم
این لایحه موضوعی نداشته و تحصیل حاصل
خواهد بود .

رئیس - بلی بهمین دلیل که فرمودید
ما خیال کردیم که پس از گذشتن آن
پیشنهاد این لایحه را پس می گیرند چون
پس نگرفتند بنده وظیفه میدانستم بگویم
قرائت شود حالا اگر موضوعی ندارد مسکوت
عنه بماند .

بعضی از نمایندگان - صحیح است .
موضوعی ندارد .

رئیس - مطلب دیگری که باید به
عرض آقایان برسد این است که بموجب
نظامنامه در موقعی که با ورقه اخذ رأی
میشود باید اوراق سفید و کیود داده
شود .

ولی اغلب آقایان روی کاغذ اسمشان
را مینویسند بدون اینکه قید کنند سفید
است یا کیود این ترتیب هم در موقع

شردن آراء اشتباه حاصل میشود هم
برای تفکیک آراء مثبت از منفی
ایین بود که اوراق کیود و سفیدی
تهیه شده و در توی کیفی که نصب
به صندوق آقایان است گذارده شده بعد
از این در موقع رأی دادن همین اوراق
قبول خواهد شد و کاغذ سفید دیگر قبول
نمی شود .

مدرس - تکلیف ممتنع چیست؟

رئیس - ممتنع که رأی نمیدهد .
اگر ایرادی دارید همین حالا بفرمایند تا
تکلیف هیئت رئیسه معلوم شود . آقای
حاج عز الممالک

(اجازه)

حاج عز الممالک - بنده با فرمایش آقای
رئیس موافقم .

رئیس - آقای کازرونی .
(اجازه)

کازرونی - کاغذ سفید که امضاء
نداشته باشد به منزله امتناع است و مثل
این است که نینداخته باشند .

مثلا اگر موجباتی پیدا شد که بنده
کاغذ سفید بی امضاء بدهم همان طور که
آقای رئیس فرمودند نه به منزله منفی است
نه بمنزله اثبات بنابراین ممتنع محسوب است
و اشکالی هم ندارد .

آخر - اینطور نیست بنده مخالفم .
کازرونی - با چه مخالفید ؟ با حساب
نکردن؟

رئیس - آقای ارباب کیخسرو .
(اجازه)

ارباب کیخسرو - آن اعلامی را که
حضرت آقای رئیس فرمودند موافق
است با نظامنامه و جای مخالفت نیست بلکه
در ایین مدت که اوراق میدادند مخالف
با نظامنامه بود و راجع بفرمایش آقای
کازرونی هم عرض میکنم مقصود همین بود که
آن مخطوبی که ایشان فرمودند پیش
نیاید .

عمل هم از سه قسم خارج نیست یا
مخالف . یا موافق . یا ممتنع . مخالف و
موافق که اوراقشان حاضر است میدهند
ممتنع هم رأی نمیدهند .

در هر صورت آن طوریکه آقای
رئیس اعلام فرمودند صحیح است و آن
کسی هم که آراء را جمع میکنند بهیچ
وجه در تحت هیچ عنوان ورقه سفید قبول
نخواهد کرد .

جمعی از نمایندگان - صحیح است .
رئیس - پس مخالفی ندارد؟
(گفته شد خیر)

رئیس - آقای دامغانی .
(اجازه)

شریعتمدار دامغانی - بمناسبت اینکه
مطالعات کمیسیون بودجه خاتمه یافته است
خواستم خاطر آقایان نمایندگان را نذکر
بدهم .

ضمناً هم دولت رامتنز کر کنم که از یکی دو سال قبل تاکنون يك عده‌ای از مردم تقریباً سی چهل هزار تومان از دولت طلب کارند یعنی از اداره حمل و نقل .

مخصوصاً هفت هشت هزار تومان اهالی سمنان و دامغان و شاهرود طلب کارند و هیچ پیش‌بینی نشده است که مطالبات مردم داده شود .

البته امضای دولت را باید به اندازه امضای يك نفر آدم عادی خود دولت محترم بشمارد والا اگر امضای دولت محترم نباشد قطعاً روابط اقتصادی بین دولت و ملت متسار که میشود و این باعث ضرر هر دو است .

امضای دولت البته محترم است و باید دیون خودش هم به بردارد و حالا نمیدانم چرا اصل این موضوع پیش‌بینی نشده است و چرا باید جزو دیون معوقه بشود که هم مردم وهم دولت وهم کمیسیون بودجه دچار زحمت فوق‌العاده بشوند یا مثلاً کمیسیون بودجه در آتیه بالاخره بزحمت پیدا کردن محل بیفتد

چون این قرض در عوض يك چیزیست که دولت گرفته و محل سوختی نیست مثلاً در شاهرود و دامغان و سمنان اهالی پول به حمل و نقل داده و برات طهران گرفته‌اند اینجا نکول شده و مدت دو سال است که بلا تکلیف مانده و بصاحبش نمیدهند

اگر جزو قروض است و حالا مهل ندارند پس این پولیکه از آنجا گرفته‌اند و جزو عایدی شده چگونه؟ آيا حساب ندارد و نباید قروض مردم را داد ؟

خیر باید داد چون مردم طلبکارند يك اشخاص مستاصلی از قبیل سورچی رعیت کاسب تاجر که سرمایه کمی دارند يك پولی با اداره حمل و نقل داده و بروات گرفته‌اند ولی بآنها نداده‌اند و حالا جزو قروض معوقه شده است که نمیدانیم دولت چه نظر دارد و چگونه باید این قضیه حل شود ؟

و این عایدی کجا رفته که قرضش باقی مانده و خواستم با آقایان نمایندگان محترم تذکر بدهم که در این خصوص يك مطالعه فرموده و يك فکری برای این مردم بیچاره بکنند .

شیر وانی - سؤال کنید

دامغانی - سؤال شد آن روز آقای

یاسائی سؤال کردند ولی فایده نبخشید

شیر وانی - استیضاح کنید

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بمالیات تصاعدی بر عایدات مطرح است

آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بدون اینکه بر بنده حمله بشود و بگویند شما از جمله

منورین الافکار نیستید و گمان میکنم که اینطور نباشد

برای اینکه زحمات هجده ساله بنده و خدمتاتی که در این مدت کرده‌ام دلیل بر این است که میخواستم مملکت در راه ترقی و سعادت بیفتد و گمان میکنم تواریخ هم شهادت بدهند حالا اگر عمامه سرم باشد دلیل نمیشود که منور الفکر نیستم پس بنده بشهادت تواریخ همیشه مایل بودم که این مملکت در راه سعادت و ترقی بیفتد .

همیشه جدید داشته‌ام که قانون مجازات وضع شود .

مسلم است عقیده هم دارم که برای مملکت هم باید مالیات وضع کرد ولی يك مالیاتهایی که

متناسب باشد مالیاتی که صرف ملت و صرف ترقی و سعادت مملکت شود و اینها تمام عقاید بنده است .

در عمل هم ثابت شده است مثلاً راجع بمواضع بلدی چون چشم میبیند و مطلع هستم گردش میکنم میبینم از وقتی که این کفیل بلدی آمده است عوائد بلدی بمصرف خودش میرسد و قدمهایی زیاد برای آبادانی شهر برداشته شده است

بامیل و رغبت تمام دفاع میکنم جنگ هم میکنم فریاد هم میزنم .

چون میبینم این يك مالیات و عوارض است که بمصرف شهر میرسد آلمان گوارا میشود .

شهرمان یا کیزه میشود

این‌ها را چون بنده میبینم موافقم . بنده که از غیبت خبر ندارم چشمم هر چه را دید از روی عقیده‌ام آن‌را میگویم و از روی عقیده‌ام آن‌را رأی میدهم

این مسئله را برای خاطر این عرض کردم که بنده حمله نکنند که در مجلس دوسه دسته هستند منورین و غیر منورین . نه خیر گمان نمیکنم هیچکس بخواهد که مملکت بر گردد بدوره ارتجاع و بیست سال قبل از این تمام ماها میخواستیم که مملکت ترقی کند .

در دوره فترت چنانچه آقای تدین هم مسبوقتم مادوازده نفر بودیم در زمان ریاست وزرائی آقای سپهدار و ایشان تعقیب میکردند که مجلس زود افتتاح شود .

روزها مادوازده نفر در همین مجلس بودیم و يك مشتی عملی برای خودمان در دوره چهارم در نظر گرفته بودیم .

اول ماده را که با اتفاق گذرانیدیم و بین خودمان قراردادیم این بود که پس از افتتاح مجلس مالیات و عوارض که در ادوار انقلاب از اول مشروطیت تا آن وقت بر مردم تحمیل شده است کاملاً در تحت نظر بیاورم و مطلع بشویم

این پول را که ملت میدهد بمصارف حقیقی خودش میرسد یا بنبر سد و يك موهومات و مزخرفاتی نباشد که صرف عیش و نشاط

این و آن بشود . باید برای سعادت دنیا و آخرت این مملکت صرف شود و گفتیم با بلدیة جدأ مخالفت کنیم .

با وضع هر مالیات و عوارض و ملاحظه کنیم در عوارض که فعلاً میگیرند و ببینیم چه مصرف میرسد .

متأسفانه دوره چهارم هر چه بود گذشت من اوله الی آخر خاتمه یافت اگر آقایان صورت‌های مجلس را ملاحظه بفرمایند میبینند هر وقت خواستند يك عوارض بر مردم تحمیل کنند ما اینجا فریاد میزدیم که تا آن مالیاتهایی میگیرند در تحت نظر در نیاید و ندانیم این پول‌هایی را که باقسام مختلف از مردم میگیرند صرف معارف و حفظ الصحه و تأمینات و نظمی و سایر چیزهایی که برای يك ملت زنده لازم است میشود یا نمیشود دیناری تصویب نمیکنیم .

مختصر هر چه صحبت کردیم بعنوان ماست مالی گذشت از این کابینه بآن کابینه از این کمیسیون بآن کمیسیون افتاد

يك نفر یاد و نفر هم که نمیتوانست کاری بکند .

نازه هم از فترت بیرون آمده و وارد مشروطیت شده بودیم و باز وحشت داشتیم که مبادا فترت بویزیر .

این بوم شوم دو مرتبه روی مایفتد محض این زیاد تعقیب نمیکنیم ولی در نظردمان بود که باید عوارض را طوری قرار بدهیم که بشفعت ملت تمام بشود

خود بنده هم خیلی جدید میکردم چون بنده یکی از اشخاصی هستم که در دوره چهارم ابدأ غیبت نداشتم دوسه من هم حاضر است در تمام جلسات علنی و خصوصی حاضر بوده‌ام در کمیسیونهای مختلف بوده‌ام تمام داد و فریاد من و سایرین این بود که این مالیاتها بمصارف ملت برسد باز آنچه یک شغای قلب بود که این مالیاتها بمصرف حقیقی خودش برسد نشد .

مثلاً يك لایحه مبادم بمصارف قبور و روشنایی قبور کی ؟

قبور کسانی که آزادی داده‌اند ؟؟

يك چیزهایی گفته میشد که يك نفر از افراد ملت حاضر نبود این حقوق را بدهد .

پس در دوره چهارم این شفا برای ما حاصل نشد و دوره پنجم شد حالا آقایان میگویند بمجرد وضع مالیات مجلس مخالفت میکند . خیر . مجلس مخالفت نمیکند بنده میخواهم عرض کنم مگر در اینجا گفتند که باید تأمین مالی و جانی برای مردم باشد .

البته تصدیق میکنید که قوای تأمینیه ماکمل و مرتب است و امنیت جانی برای مردم تهیه شده است .

اما این مالیه با این وضع و عملیاتش

هیچ اهمیت ملکی و مالی برای این ملت باقی نگذاشته .

يك مثالی برای شما عرض میکنم . مأمور مالیه میرود بفلان آبادی و میگوید اینجا خالصه است میگوید آقا چند سال است اینجا در دست من است خالصه نیست مأمور میگوید خیر حرف من حق است و من از آسمان افتاده‌ام نوبی این زمین و اینجا خالصه است و باید مالیاتش را بدهی اگر تودلیل داری بگو صاحب بدبختیش میگوید آقا چرا اینجا زمین افتادی اینجا ملک من است .

این یکی از عملیات مأمورین مالیه است .

مثل دیگر در دوره چهارم همین آقای کاشانی پیشنهاد کردند که مأمورین تعهد بر خلاف قانون اساسی داخل خانه مردم نشوند از مجلس هم گذشت حالا سؤال کنید ببینید این اردوی چنگیز چه بر سر مردم می‌آورند و ببینید عملیات این مأمورین مالیه و ترتیب مالیات گرفتشان از مردم بچه ترتیب است !! در صورتیکه تمام تواریخ شهادت میدهند بهتر بن ملتی که مطیع قوانین است ملت ایرانست اول حمل یا سلطان یا قوس اعلان کند که مردم مالیات‌هاشانرا بدهند .

البته مطیع هستند و میدهند . بنده با بزرگان ایران معاشرت کرده و میدانم مگر مردم میگویند : مگر میشود مالیات دیوان را عقب انداخت ؟

این عقیده باطنیشان است معذرت بپسندید چه حکایتی است و مأمورین مالیه در ولایات بسر مردم چه می‌آورند يك رئیس الوزراء توانائی پیدا شده است که خودش بنفسه در هر جنگی در هر جایی که صدای آشوب بلند میشود حاضر می شود .

و با کمال جدیت و با تمام قوایش خود را حاضر کرده برای تأمین دادن باهالی اما مالیه مگر میگذازد !!؟

مثل اینکه محصلین و مأمورین مالیه مکلف هستند سلب راحتی از مردم بکنند .

خیلی غریب است میفرمایند در ممالک متدنه وقتی صحبت مالیات تصاعدی می شود کف میزنند و دف میزنند ، خوشحالی میکنند اظهار بشاشت میکنند که مالیات تصاعدی داریم ،

آقا آنجا که مالیات تصاعدی می دهند این قدر بدبختی ندارند که حتی برای يك لقمه نان هم مالیات بدهند

مالیات ارضی ، مالیات حیوانی مالیات سرانه ، مالیات نفس کشیدن میگیرند باز هم مالیات تصاعدی بگیرند ؟

بلی اگر تمام مالیاتهای سابق را کنار بگذاریم و مالیات تصاعدی را بگیریم يك چیزست ولی هم آن

يك راهی باید فكر كرد آن راه هم همین مالیاتست

از آقایان میبرسم که کدام مالیاتست که بیشتر از مالیات بر عایدات مناسبت دارد و بطور تصاعد باشد؟ آنها هم يك میزان کم.

باز هم بنده تکرار میکنم از کسی که در هر سال دو هزار تومان عایدی دارد در ماه هشت قران گرفته میشود

رئیس - آقای شریعت زاده پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

مدرس - اجازه ها محفوظ است
رئیس - بلی اجازه ها محفوظ است
جلسه آتی به روز سه شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر . . .

مدرس - سه قبل از ظهر
رئیس - سابق رأی گرفتیم تصویب نشد پس سه و نیم نظر است دستور لایحه مالیات تصاعدی بر عایدات و انتخاب کسری کمیسیونها که امروز نشد انجام بگیرد (مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی
مؤتمن الملك

منشی - علی اقبال الملك

منشی - معظم السلطان

جلسه ۸۰

صورت مشروح مجلس

یوم سه شنبه نوزدهم

برج عقرب مطابق

سیزدهم ربیع الثانی ۱۳۴۳

(مجلس دو ساعت و يك ربع قبل از ظهر بریاست آقای

مؤتمن الملك تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم یکشنبه

هفدهم عقرب را آقای

اقبال الملك قرائت نمودند)

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی -

بنده بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم.

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده

هم بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم.

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب - بنده اجازه گرفته بودم اینطور شنیدم که بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتی که اجازه گرفته بودم نمی دانم اجازه نامه من بکمیسیون عرایض نرفته یا کمیسیون اجازه نداده است

رئیس - آقای رئیس کمیسیون

رئیس - آقای رئیس کمیسیون

تساوی در گذشت و حد عدالت آن اینست که بیابند مالیات را بطور تصاعدی وضع کنند که رعایت حال مردم شده باشد اینست که مسئله مالیات را بطور تصاعد قرار دادیم نه بصورت تناسب. تناسب در همه بيك شکل بالا میرود ولی تصاعد این اصول را رعایت کرده است و این مسائلی را که بنده عرض کردم شاید باز آقایان تردید داشته باشند محمد هاشم میرزا البته .

داور - این يك مسئله علمی است و البته باید درش صحبت بشود ، دیگری دربراز و بقال بود که فرمودند این هاهم ممکنست پیش از هزار تومان عایدات داشته باشند و بعد اسباب زحمتشان فراهم میشود يك وقت صحبت میشود که تجار چیزی ندارند نباید از آنها چیزی گرفته شود يك مرتبه میگویند که بقال ها شاید در سال بیش از هزار تومان عایدی دارند

هر وقت که بیش از هزار تومان در سال عایدی پیدا کردند ماهی هشت قران باید از آنها گرفت . فرمودند چرا مستمریات مستثنی است بسیار خوب این هم یکی از مسائلی که ممکنست درش صحبت کرد و اگر واقعا نباید مستثنی کرد در موقعش ممکنست مذاکره فرمایند و از آنها هم بگیرند و بالاخره دلایل آخری که گذر شد این بود که اگر بنا بشود این مالیات را بگیرند مردم لاشئی محض میشوند و بنده نمیدانم مردم چطور مردم لاشئی محض می شوند اگر کسی عایدات ندارد از او تقاضای مالیات نمیشود

میگویند از هواند اشخاص و مؤسسات صنعتی و تجارتي مالیات گرفته می شود حالا از آدمی که نداشت چیزی گرفته نمیشود

اخگر - میگیرند

داور - از آدم ندار ممکن نیست چیزی بگیرند و اگر بنظر مجازی بگیریم یعنی خیلی کم دارند و از آنها هم میگیرند .

خوب شما باید يك ترتیبی بدهید که ظلم نشود .

ما این اصول را قبول میکنیم که کسانی که دارای سرمایه و ثمن هستند باید از پول آنها و دارائی آنها باندازه ای که استطاعت دارند يك چیزی گرفت و مملکت را آباد کرد

وقتی که شما میخواهید کار بکنید معارف را آباد کنید قوه قضائیه ، صحیحه که دیگران هم نتند کرد اند داشته باشید تمام این ها را از کجا میخواهید اداره کنید یا باید از راه مالیات باشد یا از راه قرض یا عایدات خود دولت بعنوان مالکیت باشد

عایدات خود دولت که بعنوان مالک باشد خالصه است ، و آن هم چیزی نیست .

زیر بار قرض هم که نمیشود رفت پس